

بنام خدای مهربانی ها و زیبایی ها

صلح برای کودک

و

کودک برای صلح

فهرست مطالب:

مفهوم صلح را درست بفهمیم!

قاعده سازی مشترک جامعه جهانی برای صلح

مولفه های شناخته شده جهانی برای توسعه فرهنگ صلح

دهه بین المللی فرهنگ صلح وعدم خشونت برای کودکان جهان

برخی از دیگر برنامه های ملل متحد در جهت گسترش صلح برای کودکان

ارتقای صلح در پرتو پیمان نامه حقوق کودک و نظرات تفسیری مرجع نظارتی پیمان نامه

برخی شاخص های ارزیابی صلح در سطح جهانی و ارتباط با کودکان

مروری بر برخی داده های آماری قابل تامل در زمینه صلح و کودک

تلاشگران برای صلح کودک بی شمارند

نگرش اسلامی به ضرورت ایجاد و حفظ صلح برای کودکان

نظام حقوقی ایران ودغدغه های فراروی در زمینه صلح و کودکان

مفهوم صلح را درست بفهمیم!

در گذشته اغلب وقتی سخن از صلح به میان می آمد وضعیت نبود جنگ و نزاع و درگیری و خشونت به ذهن اشخاص می رسید اما به تدریج اکثر مردم جهان دریافتند که صلح واقعی و پایدار به عناصر گسترده تری نیاز دارد. امروزه در پی انتشار دهها کتاب و مقاله تخصصی در سراسر جهان و تصویب دهها سند حقوقی و سیاسی توسط دولت‌ها یا سازمان‌های غیردولتی اعم از دینی و مذهبی و غیر آن این درک ایجاد شده که ایجاد شرایط و وضعیتی که در آن جنگ و ناآرامی و خشونت و ترس از خشونت نباشد یکی از زیر ساخت‌های ضروری مورد نیاز برای تحقق صلح است اما کافی نیست. این جنبه از صلح را امروزه صلح منفی می نامند یعنی آنچه نباید باشد تا صلح محقق شود. از سوی دیگر امروزه همه جوامع دریافته اند که اگر در جامعه ای فقر، عدم سلامت فیزیکی یا روحی و روانی، جهل و بیسوادی وجود داشته باشد، اگر تبعیض امری عادی محسوب شود، اگر زنان و مردان جامعه فرصت برابر برای رشد و شکوفائی نداشته باشند، اگر پیروان همه ادیان و مذاهب نتوانند در چارچوب حاکمیت قانون زیست امن و همراه با کرامت انسانی داشته باشند، اگر مدارا و رواداری بین افراد جامعه نهادینه نشده باشد و خلاصه، اگر حقوق انسانی افراد در ابعاد مختلف شناسائی و رعایت نشود و انسانها علاوه بر رعایت معیارهای مناسب رفتار با یکدیگر و همبستگی انسانی با طبیعت و محیط زیست نیز برخورد مناسبی نداشته باشند و تخریب محیط زیست را متوقف نسازند و برای تغییرات آب و هوایی واکنش‌های سنجیده اتخاذ نکنند، صلح نیز اصولاً محقق نمیشود یا به شدت آسیب پذیر بوده و پایداری و ماندگاری نخواهد داشت. این الزامات اساسی که باید باشند تا صلح، معنای واقعی پیدا کند را امروزه صلح مثبت نیز مینامند.

متقابلاً، اگر در جامعه ای صلح واقعی و پایدار با تامین شرایط فوق الذکر منفی و مثبت فراهم شود آن چنان جامعه ای به طور طبیعی خود موجب ارتقای حقوق انسانی، نظم اجتماعی بهتر، همبستگی عمیق انسانی و گسترش اخلاق و معرفت خواهد شد

طبیعی است کودکان بیش از دیگر اقشار جامعه به تامین صلح واقعی و پایدار نیازمندند تا در بستری آرام و با رعایت حقوق خود روند رشد و بالندگی را طی کنند. کودکان برخوردار از زیست صلح آمیز آینده بهتری را برای جامعه بشری رقم می زنند.

قاعده سازی مشترک جامعه جهانی برای صلح

جامعه جهانی پس از پشت سر گذاشتن تجربیات تلخ و اسف بار دو جنگ جهانی در نیمه اول قرن بیستم میلادی که به کشته و مجروح شدن میلیونها نفر انجامید، نسبت به ایجاد سازمان ملل اقدام کرد و در این سازمان بکارگیری زور و قدرت نظامی در روابط بین المللی منع شد مگر در مقام دفاع مشروع باشد یا شورای امنیت سازمان ملل برای حفظ امنیت و صلح جهانی برابر ضوابط دقیقی که در منشور سازمان ملل متحد اعلام شده است، کاربرد نیروی نظامی علیه یک کشور را تجویز کند.

جامعه جهانی در سال ۱۹۴۵ میلادی با تدوین منشور ملل متحد اهداف مشترک خود را با عبارت های مختلف و در مواد گوناگون اعلام داشت. در میان اهداف برجسته و کلان، حفظ صلح یک محور اساسی است که تقریباً بر همه فعالیتهای سازمان ملل سایه افکنده است چرا که اگر صلح نباشد سایر اهداف مطلوب ملت های سراسر جهان نیز قابل دستیابی نخواهد بود. ماده ۱ منشور ملل متحد که به ذکر اهداف و اصول سازمان ملل اختصاص یافته در همان اولین کلمات بند یک، حفظ صلح و امنیت بین المللی را مورد تاکید قرار داده است.

در اجرای منشور ملل متحد تاکنون صدها قاعده گذاری جهانی برای تامین صلح انجام شده است. به عنوان مثال مجمع عمومی ملل متحد که با حضور نمایندگان همه کشورهای فعالیت می کند و جامع ترین محل تجلی دیپلماسی چند جانبه و گردهم آئی هر ساله بین المللی است، پس از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ که در همان مقدمه سند به اهمیت جایگاه صلح در تحقق همه حقهای انسانی تاکید شده در سالهای بعد نیز اسناد مهمی به طور خاص در مقوله صلح تصویب نموده است. در اغلب پیمان نامه های بین المللی حقوق بشر یا دیگر موضوعات سیاسی بین المللی مصوب مجمع عمومی مرتباً بر اهمیت صلح و تعهدات دولتها در این زمینه برابر منشور ملل متحد تاکید شده است چنانچه دهها گزارش قابل توجه در همین ارتباط بنا به توصیه مجمع عمومی توسط دبیر کل سازمان ملل تهیه و ارائه شده است. برخی از قطعنامه های ذیربط مجمع عمومی عبارتند از:

- قطعنامه بایسته ها یا ضرورت های صلح مصوب یکم دسامبر ۱۹۴۹

- قطعنامه اتحاد برای صلح مصوب نوامبر ۱۹۵۰

- قطعنامه حاوی اعلامیه تدارک جوامعی برای زیست در صلح مصوب دسامبر ۱۹۷۸

- اعلامیه حق مردم به صلح مصوب ۱۹۸۴

- قطعنامه فرهنگ صلح حاوی اعلامیه و برنامه عمل مربوط به فرهنگ صلح مصوب سپتامبر ۱۹۹۹

- اعلامیه حق به صلح مصوب ژوئن ۲۰۱۶

هر یک از اسناد فوق دهها نکته فنی حقوقی دارند که دولتها و سایر کنشگران اجتماعی باید نسبت به آنها اطلاعات مناسبی داشته و در جهت اجرای آن تلاش کنند. به عنوان مثال در قطعنامه فرهنگ صلح حاوی اعلامیه و برنامه عمل مربوط به فرهنگ صلح مصوب سپتامبر ۱۹۹۹ در بخش برنامه عمل مقرر شده که فرهنگ صلح از طریق اقدامات مناسب همه بازیگران مرتبط در سطوح ملی، منطقه ای و بین المللی قابل تامین است از جمله شامل:

- تضمین اینکه کودکان از سنین اولیه از آموزش در مورد ارزشها، نگرش ها و شیوه های رفتاری و روش های زندگی برخوردار شوند که آنها را قادر سازد تا هر اختلافی را مسالمت آمیز و در پرتو روح احترام به کرامت انسانی و مدارا و رواداری و عدم تبعیض، حل و فصل نمایند.
- وارد ساختن کودکان در فعالیت هایی که ارزشها و هدف های فرهنگ صلح را در وجودشان نهادینه سازد.
- تضمین دسترسی برابر زنان به ویژه دختران به آموزش.
- تشویق بازنگری برنامه های آموزشی از جمله کتب درسی در راستای اهتمام به اعلامیه و چهارچوب منسجم اقدام آموزشی برای صلح، حقوق بشر و مردم سالاری که در این راستا از سوی سازمان علمی فرهنگی آموزشی ملل متحد بنا به تقاضای دولتها همکاری تکنیکی ارائه خواهد شد.

هم چنین در آخرین سند مورد اشاره یعنی اعلامیه حق بر صلح تاکید شده که همه دولتها، نظام ملل متحد و سایر سازمان های بین المللی باید منابع لازم را به برنامه هایی اختصاص دهند که هدفش تعمیق و توسعه فرهنگ صلح و تحکیم آگاهی عمومی از حقوق انسانی از طریق آموزش و مهارت آموزی باشد. هم چنین تاکید شده که فرهنگ صلح مجموعه ای از ارزشها، نگرشها، سنت ها و شیوه های رفتاری و روشهای زندگی است آن گونه که در اعلامیه فرهنگ صلح [مصوب ۱۹۹۹] منعکس شده و همه باید کمک دهند تا این فرهنگ در سطوح ملی و بین المللی ترویج یابد. در همین سند برای مشارکت کامل همه افراد جامعه از

جمله گروههای آسیب پذیر تاکیدات ویژه ای شده تاهمگان بدانند که اگر مشارکت همه گروهها در جامعه ای فراهم نشود خود بخود حق بر صلح آن جامعه مخدوش خواهد شد.

بدین ترتیب به سادگی می توان دریافت که قاعده سازی های مشترک جامعه جهانی در زمینه صلح الزاماتی را مقرر می سازند که با رعایت آنها همه گروههای انسانی از جمله کودکان امکان رشد مناسب را خواهند داشت. اما آیا دولتها وسایر بازیگران موثر، الزامات مزبور را رعایت می کنند؟ واقعیات جامعه جهانی متأسفانه فاصله زیاد بین این قواعد با عمل را نشان می دهد.

مولفه های شناخته شده جهانی برای توسعه فرهنگ صلح:

- ۱- پایبندی به حل و فصل مسالمت آمیز منازعات بر اساس احترام متقابل و تفاهم و همکاری بین المللی
- ۲- رعایت تعهدات بین المللی بر اساس منشور ملل متحد
- ۳- پیشبرد مردم سالاری، توسعه و احترام و رعایت جهانی حقوق و آزادیهای بنیادین انسانی
- ۴- قادر سازی مردم در همه سطوح برای ارتقای مهارت های گفت و گو، مذاکره، اجماع سازی و حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات
- ۵- توسعه نهادهای مردم سالار و تضمین مشارکت کامل همگان در فرایند توسعه
- ۶- رفع فقر و بیسوادی و کاهش بی عدالتی ها داخل هر ملت و میان ملتهای گوناگون
- ۷- پیشبرد توسعه اجتماعی و اقتصادی پایدار
- ۸- رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان از طریق توانمند سازی آنها و فراهم سازی حضور برابر در همه سطوح تصمیم سازی
- ۹- تضمین احترام، رعایت و پیشبرد حقوق کودکان
- ۱۰- تضمین جریان آزاد اطلاعات در همه سطوح و گسترش دسترسی به آن
- ۱۱- افزایش شفافیت و پاسخگویی در حکمرانی
- ۱۲- رفع همه اشکال تبعیض نژادی، بیگانه هراسی و نابردباری های مرتبط
- ۱۳- ارتقای درک و فهم متقابل، مدارا و همبستگی میان همه تمدنهای، مردم و فرهنگ ها از جمله نسبت به اقلیتهای زبانی، مذهبی و قومی
- ۱۴- تحقق کامل حقوق همه مردم از جمله آنان که تحت شرایط استعماری بسر می برند یا دیگر شکل های سیطره بیگانگان یا اشغالگری خارجی، برای اینکه بتوانند سرنوشت خود را آن گونه که در منشور ملل متحد و میثاقین بین المللی حقوق بشر و اعلامیه اعطای استقلال به دول مستعمره و مردم آنان مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰ اعلام شده، تعیین کنند.

ماخذ: قطعنامه مصوب مجمع عمومی ملل متحد در ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۹ با عنوان اعلامیه وبر نامه عمل فرهنگ

صلح (A/Res/53/43)

کودکان در هر یک از مولفه های یاد شده سهم خاصی دارند که دولت‌ها و عموم افراد هر جامعه باید برای رعایت آن تلاش نمایند.

دهه بین المللی فرهنگ صلح وعدم خشونت برای کودکان جهان

مجمع عمومی ملل متحد در جهت توجه هر چه بیشتر همه ملتها به گسترش فرهنگ صلح وعدم خشونت به ویژه برای کودکان، ابتدا دهه مربوط به سالهای ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۴ را با عنوان دهه آموزش حقوق بشر نام نهاد تا در این دهه از طریق آموزش های مختلف حقوق انسانی به ویژه در مدارس و برای کودکان و دانشگاهها مفاهیم مورد نیاز برای زیست صلح آمیز در سراسر جهان بسط پیدا کند، سپس در سال ۱۹۹۸ برابر قطعنامه ۵۲/۵۳ ضمن تاکید بر اینکه کودکان از هر گونه خشونت و نا آرامی بیشترین صدمات را می بینند و لازم است برای آنها تدابیر خاص اتخاذ شود دوره مربوط به سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ را با عنوان « دهه بین المللی فرهنگ صلح وعدم خشونت برای کودکان جهان» نامگذاری کرد. آغاز این دهه همزمان شد با اجرای اهداف هزاره توسعه که مشتمل بر ۸ آرمان و ۲۱ هدف برای دوره ای پانزده ساله تا ۲۰۱۵ میلادی بودند. در میان آرمان های هزاره توسعه چند مورد به کودکان اختصاص یافت یا کودکان را نیز در بر می گرفت مانند از بین بردن فقر شدید و گرسنگی، دست یافتن به آموزش ابتدایی همگانی، کم کردن مرگ کودکان و گسترش و ترویج رفع تبعیض های جنسیتی و توانمند سازی زنان.

بدین ترتیب جامعه جهانی نشان داد که رسیدن به فرهنگ صلح برای کودکان را نه فقط از طریق اقدامات معمولی جاری در کشورها بلکه مبتنی بر مجموعه برنامه ریزی های بلند مدت و همه جانبه در حیطه آموزش، ترویج رعایت حقوق بشر، توسعه و ارتقای حفاظت از محیط زیست پیگیری خواهد کرد.

سازمان ملل در سال ۲۰۰۴ تصمیم گرفت تا پس از اتمام دهه آموزش حقوق بشر، برنامه آموزش حقوق بشر برای سراسر جهان را در چند فاز یا مرحله پیگیری کند که مرحله اول آن طی سال های ۲۰۰۴ الی ۲۰۰۹ و مرحله دوم برای سالهای ۲۰۱۰ الی ۲۰۱۴ اجرا شدند و مرحله سوم برای سالهای ۲۰۱۴ الی ۲۰۱۹ هم اینک در حال اجراست. در اجرای این برنامه جهانی نیز بارها و بارها ترویج فرهنگ صلح مورد تاکید قرار گرفته و اینکه تلاش برای نهادینه سازی این فرهنگ باید از مدارس و از سنین کودکی افراد هر جامعه شروع شود و نظام های آموزشی و فرهنگی در این زمینه پیشگام اجرای برنامه های مختلف باشند.

یاد آوری می نماید که در دهه بین المللی فرهنگ صلح وعدم خشونت برای کودکان، بر مبنای شاخص های هشتگانه زیر فعالیت های متنوعی در سراسر جهان انجام شد وسازمان های غیر دولتی وشبکه های مدنی متعددی شکل گرفت که فعالیت ها وتجربیات مثبت خود را با دیگران به اشتراک گذاشتند:

- تقویت فرهنگ صلح از طریق آموزش حقوق بشر
- ارتقای اقتصادی واجتماعی توسعه پایدار
- ارتقای احترام به همه حقوق انسانی
- تضمین عدم تبعیض میان زن ومرد
- حمایت از مشارکت مردم سالار همه اقشار جامعه
- توسعه فهم ودرک متقابل ومدارا وهمبستگی انسانی
- حمایت از ارتباطات مشارکتی وجریان آزاد اطلاعات ودانش
- ارتقای صلح وامنیت بین المللی

دغدغه های مورد پیگیری دهه بین المللی فرهنگ صلح وعدم خشونت برای کودکان از سال ۲۰۱۰ تا کنون نیز در قالب برنامه های مختلف جهانی در حال پیگیری است که عمده ترین آنها از سال ۲۰۱۵ به این سو اهداف توسعه پایدار است.

برخی از دیگر برنامه های ملل متحد در جهت گسترش صلح برای کودکان:

سازمان ملل متحد به منظور تحقق صلح برای کودکان ونوجوانان از طریق آژانس های تخصصی وابسته به خود نیز اقدامات متعددی را معمول داشته است که به عنوان نمونه به برخی از آنها اشاره می گردد:

- جوانان برای صلح^۱: این برنامه به عنوان یکی از اقدامات صندوق توسعه ملل متحد در زمینه تحقق صلح اذعان می نماید از آنجایی که زنان جوان ومردان جوان نقش مهمی در حفظ و ارتقای صلح وامنیت بین المللی دارند، می توانند نقش فعالی را به عنوان عوامل تغییر مثبت وسازنده ایفا کنند. این هدف دقیقا همان موضوعی است که در قطعنامه ۲۲۵۰ شورای امنیت سازمان ملل متحد درباره جوانان، صلح وامنیت برای اولین بار مورد تصریح قرار گرفته است. قطعنامه ۲۲۵۰ شورای امنیت سازمان ملل متحد (۲۰۱۵) اولین

1 . Youth4peace

چارچوب سیاست بین‌المللی است که در آن به نقش مثبتی که جوانان در پیشگیری و حل مسئله، مبارزه با افراط‌گرایی خشونت‌آمیز و ایجاد صلح ایفا می‌نمایند، اشاره شده است.

- مذهب برای صلح^۲: این برنامه به عنوان بزرگترین ائتلاف چند مذهبی در جهان با هدف اقدام مشترک در میان جوامع مذهبی جهان برای صلح ایجاد شده است. شبکه جهانی مذاهب صلح شامل یک شورای جهانی متشکل از رهبران ارشد مذهبی از همه مناطق جهان است؛ شش نهاد منطقه‌ای بین مذهبی و بیش از هفتاد نهاد ملی؛ و دو شبکه جهانی با عنوان زنان ایمان^۳ و شبکه جهانی جوانان^۴ می‌باشد. این ائتلاف با همکاری یونیسف در سال ۲۰۱۰ دستورالعملی را در رابطه با مقوله کودکان و صلح تحت عنوان از تعهد تا عمل: آنچه نهادهای مذهبی برای امحای خشونت می‌توانند انجام دهند^۵، تدوین نموده است. محورهای اساسی این دستورالعمل شامل موارد ذیل می‌باشد:

1. ارائه یک نمای کلی از ماهیت و دامنه خشونت علیه کودکان که می‌تواند مورد استفاده اهداف اطلاعاتی و آموزشی قرار گیرد.

2. نقش‌های مثبت را که جوامع مذهبی می‌توانند در حمایت از مشارکت و کمک به صلح بر عهده گرفته و برای محافظت از کودکان در برابر خشونت ایفا نمایند، برجسته کنند.

3. مزایای هماهنگی و همکاری بین مذهبی در ارتقای حقوق کودکان را تحت تأثیر قرار دهند.

4. برنامه ریزی و اقدام در مورد مسائل مربوط به حمایت از کودکان در جوامع مذهبی و در جوامع اجتماعی بزرگتر را به انجام رسانند.

- برنامه یونیسف در زمینه آموزش برای صلح^۶: صندوق کودکان ملل متحد از دهه ۱۹۹۰ میلادی برنامه آموزش صلح را در سراسر جهان پیگیری کرده است. در این برنامه فقط عدم خشونت و جنگ مورد توجه نیست بلکه عدالت اقتصادی اجتماعی و فرهنگی نیز مورد توجه است تا صلح واقعی برای کودکان و سایر اقشار جامعه معنا پیدا کند. تاکنون گزارش‌های مختلفی در مورد روند اجرای این برنامه منتشر شده که برای علاقمندان به موضوع قابل توجه و مطالعه است.

2 . Religion for Peace

3 . Global Women of Faith Network

4 . Global Youth Network

5 . From Commitment to Action: What Religious Communities can do to Eliminate Violence against Children

6 - Peace education programme

علاوه بر نمونه های یاد شده، آژانس های تخصصی سازمان ملل از جمله یونسکو، سازمان بین المللی کار، سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد گزارش های متعددی را در زمینه حمایت از کودکان در برابر مصادیق متنوع نقض صلح یا برای تامین بسترهای لازم زندگی صلح آمیز کودکان منتشر نموده اند که حاوی اطلاعات آماری و مفهومی ارزشمندی برای فعالان حوزه های آموزشی، هنری، ورزشی، رسانه و سیاست-گذاران عرصه کودکان می باشد.

ارتقای صلح در پرتو پیمان نامه حقوق کودک و نظرات تفسیری مرجع نظارتی پیمان نامه

سازمان ملل برای ارتقای همه جانبه حقوق کودک به تدوین اسناد متنوع در حیطه حقوق عام انسانی بسنده نکرده و از دهه ۱۹۵۰ میلادی در صدد تدوین اسناد خاص برای حمایت حقوقی از کودکان برآمده است. تصویب اعلامیه حقوق کودک در ۱۹۵۹ میلادی و پیمان نامه حقوق کودک در ۱۹۸۹ میلادی از جمله مهم ترین دستاوردهای حقوقی ذیربط است که در ادامه با تصویب پروتکل های الحاقی و هم چنین اقدامات نظارتی و تفسیری مختلف کمیته حقوق کودک به عنوان مرجع نظارتی پیمان نامه حقوق کودک ادامه یافته است.

مفاد هر دو سند یاد شده شناسائی حق های مختلف کودک است تا از گذر رعایت آنها زندگی صلح آمیز برای کودک تامین شود در عین حال در هر دو سند به طور خاص به اهمیت صلح در حمایت کودک نیز تصریح شده است. به عنوان مثال در اصل دهم اعلامیه حقوق کودک ۱۹۵۹ تصریح شده که کودک باید در مقابل هر گونه اعمال و رفتاری که ترویج تبعیضات نژادی، مذهبی و غیره را ممکن سازد، حمایت شود. کودک باید با روحیه ای پر تفاهم، گذشت، معتقد به دوستی بین مردم، صلح و برادری جهانی و با آگاهی کامل بر اینکه توانائی و استعداد وی باید وقف خدمت به هموعانش شود، پرورش یابد. در پیمان نامه حقوق کودک نیز ضمن بند د ماده ۲۹ تصریح شده که «کشورهای طرف پیمان نامه موافقت می نمایند که موارد ذیل باید جزء آموزش و پرورش کودکان باشد: آماده نمودن کودک برای داشتن زندگی مسئولانه در جامعه ای آزاد و با روحیه ای (مملو) از تفاهم، صلح، شکیبائی، منع تبعیض زن و مرد و دوستی بین تمام مردم، گروه های قومی، مذهبی و ملی و اشخاص دیگر».

پروتکل الحاقی پیمان نامه حقوق کودک درباره خرید و فروش کودکان، خودفروشی و هرزه نگاری کودکان و پروتکل الحاقی درباره [منع] بکارگیری کودکان در مناقشات مسلحانه مصوب ۲۰۰۰ میلادی نیز در واقع به دو موضوع مهم توجه دارند که رعایت آنها تماماً در جهت تامین صلح مورد نیاز کودک است.

نظریه های تفسیری مرجع نظارتی پیمان نامه حقوق کودک چه نظرات تفسیری که در قالب ملاحظات نهائی پس از بررسی گزارش دوره ای عملکرد کشورها ارائه می شود و چه نظرات تفسیری عام عمدتاً حاوی نکات متعددی برای چگونگی تامین صلح و آرامش برای کودکان می باشند. به عنوان مثال در همان نظریه تفسیری عام شماره ۱ کمیته حقوق کودک که در سال ۲۰۰۱ اعلام شده است در بند ۱۳ آن مقرر شده «مفاد ماده ۲۹ پیمان نامه حقوق کودک در بردارنده راه کارهای اجرای تعهدات مندرج در بند (د) ماده ۲۹ می باشد. در راستای اجرای تعهد دولت ها در خصوص ایجاد محیط سرشار از صلح برای کودکان دولتها ملزم به اتخاذ رویکرد چندگانه هستند. همچنین این نکته نیز حائز اهمیت است که ارزش های مندرج در ماده ۲۹ صرفاً منحصر به معضلات جامعه عمومی نبوده و چه بسا

خود جوامع کودکان نیز در گیر مشکلاتی ناشی از خلاء نهادینه سازی این ارزش‌ها در درون خویش باشند بر این اساس علاوه بر آموزش در مدارس و جامعه، نهادینه سازی ارزش‌های مورد نظر [برای ترویج فرهنگ صلح] باید در درون خانواده‌ها نیز صورت گیرد.» در بند ۱۶ نظریه تفسیری فوق‌الذکر آمده است: «ارزش‌های مندرج در ماده ۲۹ (۱) پیمان نامه مربوط به کودکان ساکن در مناطق دارای صلح است اما آن ارزش‌ها برای کودکانی که در شرایط جنگ و یا شرایط اضطراری زندگی می‌کنند اهمیت بیشتری پیدا میکنند. به عنوان نمونه در «چارچوب اقدام داکار»، به لزوم تقویت آن دسته از سیستم‌های آموزشی که تحت تاثیر درگیری، بلایای طبیعی و بی‌ثباتی قرار گرفته‌اند و ترویج مفاهیم درک متقابل، صلح و مدارا در برنامه‌های آموزشی کودکان این مناطق به منظور پیشگیری از درگیری و خشونت تصریح شده است. علاوه بر آن مطابق با مندرجات این بند آموزش حقوق بشردوستانه به کودکان نیز در ایجاد محیط مملو از صلح و تحقق آرمان‌های مندرج در ماده ۲۹ (۱) پیمان نامه حقوق کودک از اهمیت بسزایی برخوردار است که متأسفانه اغلب توسط دولت‌ها مورد غفلت واقع می‌شود.»

کمیته حقوق کودک از سال ۲۰۰۱ که نظریه تفسیری عام شماره ۱ را صادر کرد تا کنون فراتر از ۲۰ نظریه تفسیری عام صادر کرده که توجه به مفاد آنها در شناخت گستره وسیع اقداماتی که برای پیشبرد صلح و آرامش برای کودکان باید انجام شود، حائز اهمیت می‌باشد. به عنوان نمونه عناوین برخی از نظریه تفسیری در زیر ارائه میشود که هر یک حاوی داده‌های مهمی در جهت تامین صلح برای کودک است:

- نظریه تفسیری شماره ۸ در خصوص حق کودک به رهائی مجازات بدنی و سایر رفتارها یا مجازاتهای موهن و غیر انسانی، ارائه شده در سال ۲۰۰۶

- نظریه شماره ۹ در مورد حقوق کودکان معلول، ارائه شده در سال ۲۰۰۶

- نظریه شماره ۱۰ در مورد حقوق کودکان تحت عدالت کیفری کودک و نوجوان، ارائه شده در سال ۲۰۰۷

- نظریه شماره ۱۳ در مورد رهائی کودکان از همه اشکال خشونت، ارائه شده در سال ۲۰۱۱

- نظریه تفسیری شماره ۱۴ در مورد حق کودک به بهره‌مندی از منافع عالی خود به عنوان اولویت اول، ارائه شده در

سال ۲۰۱۳

- نظریه تفسیری شماره ۱۵ حق کودک به بهره‌مندی از بالاترین استاندارد قابل حصول سلامت، ارائه شده در ۲۰۱۳

- نظریه تفسیری شماره ۱۷ در مورد حق کودک به استراحت، تفریح و بازی و فعالیت‌های خلاقانه و زیست فرهنگی

و هنری، ارائه شده در سال ۲۰۱۳

- نظریه تفسیری شماره ۱۸ در مورد حقوق کودک و رویه‌های [عرفی و سنتی] آسیب‌رسان، ارائه شده در

سال ۲۰۱۴

- نظریه تفسیری شماره ۲۰ در مورد حقوق کودکان در خلال بلوغ، ارائه شده در سال ۲۰۱۶
- نظریه تفسیری شماره ۲۱ در مورد کودکان در وضعیت خیابانی، ارائه شده در سال ۲۰۱۷

برخی شاخص های ارزیابی صلح در سطح جهانی و ارتباط با کودکان

در سطح جهانی علاوه بر سازوکارهای مختلف درون سازمان ملل که هر یک سنجه های مهمی برای ارزیابی صلح در اختیار قرار می دهند مانند شاخص های امنیت انسانی یا توسعه انسانی که هر ساله بر اساس آنها وضعیت کشورهای جهان ارزیابی و معرفی میشوند، هم چنین موسسات پژوهشی مختلفی متمرکز بر مقوله صلح هستند که شاخصها و گزارشات آنها نیز بسیار قابل استفاده می باشند. یکی از این نهادها موسسه اقتصاد و صلح است که در دو جنبه صلح مثبت و صلح منفی معیارهای دقیقی برای ارزیابی وضعیت کشورها معرفی کرده مثلا در صلح منفی توجه دارد که تا چه میزان کشور مورد هدف به جنگ و خشونت و ناامنی پرداخته یا ترس از این امور را دامن زده است. اما در صلح مثبت یعنی آنچه باید دولتها و جوامع انجام دهند تا ابعاد مثبت تامین صلح فراهم شود و مردم از جمله کودکان بتوانند به وضعیت مطلوب نائل آیند، تفصیلی است و ابعاد مختلف حقوقی، سیاسی و فرهنگی و اقتصادی را شامل میشود. برای اطلاع بیشتر مخاطبان و امکان ایده پردازی در سطح ملی در جهت تدوین معیارهای ارزیابی تفصیلی تر، عناوین شاخص های مزبور در زیر ارائه میشود:

- شاخص کارکرد خوب حکومت شامل سنجه های مختلفی از قبیل فرهنگ سیاسی مردم سالار، حاکمیت قانون، کارآمدی حکومت، استقلال قضائی، نسبت بین مجموعه درآمدها و ارائه خدمات به مردم
- شاخص محیط کسب و کار و تجارت مناسب شامل سنجه های مختلفی از قبیل روانی فعالیت تجاری، آزادی اقتصادی، میزان تولید ناخالص داخلی
- شاخص سطوح پائین فساد شامل سنجه هایی از قبیل میزان فهم فساد، کنترل فساد، وضعیت نخبگان حرفه ای ذیربط
- شاخص سطوح بالای سرمایه انسانی شامل سنجه هایی از قبیل میزان توسعه جوانان، گستره مدارس متوسطه، میزان انتشارات علمی
- شاخص آزادی اطلاعات شامل سنجه هایی از قبیل وضعیت آزادی مطبوعات، وضعیت آزادی مطبوعات جهانی، نرخ اشتراک تلفن موبایل در کشور
- شاخص روابط خوب با همسایگان شامل سنجه هایی از قبیل تعداد بازدیدهای متقابل، میزان دوری از دشمنی با همسایگان، وضعیت همبستگی منطقه ای

- شاخص توزیع عادلانه منابع شامل سنجه هائی از قبیل وضعیت فقر و شکاف ذیربط، میزان تجهیز اجتماعی، میزان نابرابری، نرخ امید به زندگی
 - شاخص پذیرش حقوق دیگران شامل سنجه هائی از قبیل میزان توانمندسازی، وضعیت نابرابری جنسیتی، نرخ انسجام بین گروهی در جامعه.
- موسسه پژوهشی یاد شده مجموعه ارزیابی های خود در مورد صلح مثبت و منفی را در قالب دو شکل معرفی کرده که برای فهم موضوع بسیار قابل استفاده است. دو شکل مورد اشاره در زیر ارائه میگردد:

پیشرفت در صلح مثبت وسایر رشد های مرتبط

منتهی به کاهش خشونت وحل
وفصل بیشتر اختلافات با
روشهای غیر خشونت آمیز
میشود

منابع کمتری برای خشونت
هزینه و بیشتر منابع برای صلح
مثبت سرمایه گذاری میشود

جامعه از محیط کسب وکار
وتجارت قوی تر برخوردار
وحکومت بهتر کارکردهای خود
را انجام وانسجام اجتماعی ارتقا
می یابد

جامعه به سطوح بالاتر رفاه نازل
آمده ومولد تر وثروتمند تر می
شود

پسرفت در صلح مثبت

هزینه های اختصاص یافته به
خشونت افزایش، منابع کمتری
به شاخص های مرتبط با صلح
مثبت اختصاص می یابد

منتهی به کاهش خشونت وحل
وفصل بیشتر اختلافات با
روشهای غیر خشونت آمیز
میشود

خشونت افزایش یافته و مقاومت
وتحمل انسانی نزول می یابد

عوامل استرس زا افزایش می
یابد، رشد تولید ناخالص داخلی
کاهش یافته و نهادها کمتر قابلیت
انطباق با نیازها و پویایی پیدا
میکنند

ماخذ:

www.economic and peace.org

نتیجه ساده: بدون فراهم سازی بستر مناسب صلح وعدم خشونت برای همگان در یک جامعه نمی توان به صلح برای کودک نائل شد. هم چنین هرچه برای صلح در جنبه های مثبت و منفی صلح هزینه شود آینده بهتری را برای کودکان رقم خواهد شد و البته خود کودکان نیز در فرایند تلاشها برای صلح مثبت یک بازیگر موثر خواهند بود

مروری بر برخی داده های آماری قابل تامل در زمینه صلح و کودک

برای شناخت وضعیت صلح و کودک چه از حیث معیارهای صلح منفی و چه شاخص های صلح مثبت، داده های آماری نقش مهمی ایفا می کنند فلذا هر کشوری برای برنامه ریزی درست باید از آمار وضعیت های موجود به خوبی مطلع باشد. در این زمینه در سطوح ملی و جهانی داده های گسترده ای در دسترس همگان است مثلا اینکه چه تعداد کودک از جنگ ها و ناآرامی ها و فاقد مکان شدن ها صدمه می بینند، چه تعداد از حداقل های سلامت برای حفظ حیات برخوردار نیستند؟ چه تعداد از حیث بهره مندی از تغذیه سالم و امنیت غذایی در شرایط نگران کننده هستند؟ چه تعداد قربانی خشونت های خانوادگی قرار می گیرند؟ چه تعداد از فقر و وضعیت اقتصادی خانوادگی رنج می برند؟ چه تعداد امکان تحصیل ندارند؟ چه تعداد انواع تبعیض های جنسیتی را متحمل میشوند؟ و دهها پرسش دیگر را به تفکیک وضعیت کشورها و حتی مناطق مختلف داخل کشورها می توان در منابع آماری مستند مورد بررسی قرار

داد. این مهم هم اینک در سازمان ملل به طور ویژه در روند ثبت شاخص های توسعه پایدار تا سال ۲۰۳۰ به خوبی ثبت و ضبط میشود. از باب نمونه، در زیر مروری بر برخی داده های آماری ذی ربط انجام میشود.

مرگ و میر کودکان: جهان در چند دهه گذشته پیشرفت قابل توجهی در کاهش مرگ و میر کودکان داشته است. در جهان، میزان مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال از ۹۳ مرگ و میر در هر ۱۰۰۰ تولد زنده در سال ۱۹۹۰ به ۴۱ در سال ۲۰۱۶ کاهش یافته است. پیشرفت در کاهش مرگ و میر کودکان در دوره ۲۰۰۰-۲۰۱۶ در مقایسه با سال های ۱۹۹۰ افزایش یافته و در سطح جهانی، نرخ سالانه کاهش در نرخ مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال از ۱٫۹ درصد در سال های ۱۹۹۰-۲۰۰۰ به ۴٫۰ درصد در سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ افزایش یافته است. وقوع پیشرفت قابل توجه در بهبود بقای کودکان از سال ۲۰۰۰ موجب نجات جان ۵۰ میلیون کودک زیر ۵ سال شده است.

جنگ و کودکان: تحولات اخیر در جنگ، خطرات فراروی کودکان را به طور چشمگیری افزایش داده است. در طول دهه گذشته تخمین زده می شود که قربانیان کودک شامل:

❖ ۲ میلیون کشته؛

❖ ۴-۵ میلیون دچار معلولیت

❖ ۱۲ میلیون بی خانمان

❖ بیش از ۱ میلیون یتیم یا جدا از والدین و

❖ حدود ۱۰ میلیون نفر از نظر روحی آسیب دیده اند.

تحصیلات کودکان در مقطع ابتدایی: جهان از سال ۲۰۱۵ به دستیابی به آموزش ابتدایی جهانی (UPE) به عنوان یکی از اهداف توسعه هزاره (MDG) دست یافته است. ۹۱ درصد از کودکان ابتدایی سراسر جهان که در سال ۲۰۱۳ در سن مدرسه بوده اند ثبت نام کرده اند. هنوز راه زیادی برای پیشرفت جامعه جهانی در این حوزه باقی مانده و این چالش در برخی مناطق مانند غرب و نواحی مرکزی آفریقا همچنان کودکان را تهدید می نماید. میزان ثبت نام خالص

در سال ۲۰۱۳ حدود ۷۴ درصد بوده است. اگر چه تعداد کودکان خارج از مدرسه در سن مدرسه ابتدایی بین سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ در سطح جهانی از ۹۹ میلیون تا ۵۹ میلیون کاهش یافت، پیشرفت از سال ۲۰۰۷ متوقف شده است.

فقر و کودکان: اهداف جدید توسعه پایدار اکنون تصدیق می کنند که کودکان در مبارزه با فقر از اهمیت بسزایی برخوردارند. فقدان فقر تا سال ۲۰۳۰ اولین هدف از دستورالعمل ۲۰۳۰ برای توسعه است. فقر شدید که در معیار روزانه توانائی ۱,۹۰ دلار محاسبه می شود، بیش از ۳۸۷ میلیون کودک یا ۱۹,۵ درصد کودکان جهان را در بر گرفته و در مقایسه با ۹,۲ درصد بزرگسالان بچه ها نیمی از فقرا را تشکیل می دهند، در حالیکه تنها یک سوم از جمعیت جهان می باشند.

شایان ذکر است که سامانه مرکز داده های آماری یونیسف یکی از منابع خوب برای ملاحظه مستندات آماری گوناگون وضعیت کودکان در سراسر جهان است که آدرس آن عبارت است از: <https://data.unicef.org/>

تلاشگران برای صلح کودک بی شمارند

در سطح جهانی علاوه بر نهادهای ایجاد شده توسط دولتها در سطح ملی، منطقه خاص یا فرمانطقه ای که عمدتاً به نظام ملل متحد مربوط میشوند، تشکلهای بی شمار مدنی نیز ایجاد شده که به صورت بین المللی فعالیت میکنند. در میان تشکل های مزبور، موارد متعددی به مقوله صلح کودک اولویت داده و در این زمینه اقدام میکنند. توجه به فعالیت های آنان از این رو حائز اهمیت است که می تواند به فعالان مدنی داخل ایران این ایده را بدهد که صرفاً به تلاش در سطح ملی بسنده نکرده بلکه در گستره فراملی نیز برای صلح همه انسانها به صورت عام و صلح کودک به صورت خاص فعالیت کنند. بدون هر گونه داوری در مورد محتوای فعالیت های نهادها، از باب آشنائی مقدماتی تعدادی از انجمن های تلاشگر حوزه صلح کودک در زیر معرفی میشوند:

- سازمان صلح جهانی کودکان^۷ خود را سازمانی غیرانتفاعی معرفی کرده است. این نهاد علاوه بر دفتر مرکزی خود به عنوان یک نهاد خیریه در کنیا و یک نهاد مدنی در نپال ثبت شده است. این سازمان متشکل از ۶۸ معلم / سازندگان صلح بومی در کشورهای مخالف می‌باشد. در حال حاضر بیش از ۱۶۰۰۰ دانش آموز مقاطع یک تا هشت در هر هفته از آموزش‌های صلح که توسط این سازمان ارائه می‌گردد، بهره‌مند می‌شوند. این سازمان ارزش‌های مورد تاکید خود را تحت عناوین آگاهی بخشی، صداقت، مسئولیت و احترام معرفی نموده است. اطلاعات بیشتر در خصوص نهاد مذکور در پایگاه اینترنتی به آدرس: <http://www.cwpo.org/index.html> قابل دستیابی است.

- موسسه صلح بین‌المللی کودکان^۸ خود را یک موسسه خیریه معرفی کرده است که با تمرکز بر کارآفرینی جوانان، قابلیت اشتغال، توسعه پایدار و توانمند سازی جوانان در توسعه و ترویج صلح فعالیت می‌نماید. این موسسه مقام مشورتی شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد را دارا می‌باشد و تاکید بر مفهوم توسعه تحت رهبری جوانان را مد نظر دارد. اطلاعات بیشتر در خصوص نهاد مذکور در پایگاه اینترنتی به آدرس: <https://peacechild.org> قابل دستیابی است.

- سازمان کودکان برای صلح^۹ خود را یک سازمان غیرانتفاعی جهانی معرفی کرده است که در سال ۲۰۰۶ با تاکید بر شعار «پرورش دنیای ما از طریق عشق و اقدام» تاسیس شده است. این سازمان ابتدا توسط یک فعال مدنی و فارغ التحصیل دانشگاه هاروارد با نام Danielle Gram ایجاد و پس از وی اداره نهاد مذکور توسط یک دانش آموز دبیرستانی، یک معلم و یک نماینده نویسنده کودکان ادامه یافت. پروژه ماموریت کودکان و نوجوانان برای تحقق صلح که با هدف پرورش توانایی ذاتی هر کودک برای تقویت صلح از طریق تجربیات میان فرهنگی و دستاوردهای هنری، خدمات و پروژه‌های زیست محیطی تدوین یافته است یکی از فعالیت‌های عمده سازمان مذکور اعلام گردیده است. برنامه موصوف شامل ۱۰۰ بخش مرتبط با صلح برای کودکان و نوجوانان در شش قاره جهان می‌باشد. اطلاعات بیشتر در خصوص نهاد مذکور در پایگاه اینترنتی به آدرس: <https://peacechild.org> قابل دستیابی است.

7. Children's World Peace Organization

8. Peace Child International

9. Kids for Peace

- سازمان راه‌های بسوی صلح^{۱۰} یک سازمان صلح بین‌المللی، آموزشی و مشاوره‌ای است که برای ایجاد صلح در قالب یک واقعیت عملی از طریق پروژه‌های بومی و جهانی در حوزه‌های مختلف اعم از صلح و کودکان فعالیت می‌نماید. در سال ۱۹۸۳، این سازمان به عنوان سفیر رسمی سازمان ملل متحد انتخاب گردید و دارای مقام مشورتی در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد است. همچنین نهاد مزبور در سطح ملی و جهانی برای ترویج صلح، و آموزش با سازمان‌های دیگر که به توسعه فرهنگ صلح منجر می‌شوند، همکاری می‌نماید.

اطلاعات بیشتر در خصوص سازمان مذکور در پایگاه اینترنتی به آدرس:
<http://pathwaystopace.org> قابل دستیابی است.

نگرش اسلامی به ضرورت ایجاد و حفظ صلح برای کودکان

در اندیشه اسلامی صلح در سطوح مختلف مورد تاکید است بدین معنا که ابتدا انسانها باید به صلح درون اهمیت دهند و بین امیال نفسانی و ارزشهای اخلاقی و انسانی تسلیم هیجانات زودگذر نشوند و همواره تلاش کنند تا بر اساس رویکرد عقلانی و هدایت‌های وجدانی و فطری حرکت کنند و بدانند که این گونه نزد خداوند نیز محبوب خواهند بود و در وهله دوم باید در محیط اجتماع خویش بر اساس پیوندهای ایمانی و انسانی با دیگران محبت و مدارا را در پیش گیرند و در نهایت با دیگر ملل، همزیستی مسالمت آمیز داشته و تا به کیان آنها تجاوز نشود همواره پایبند توافقات و تعهدات متقابل بوده و همواره کرامت انسانی دیگران را رعایت کنند. در اندیشه اسلامی نهاد خانواده نیز اساسی‌ترین و مهم‌ترین رکن جامعه محسوب میشوند بر همین اساس مسلمانان باید برای ایجاد صلح درونی و صلح اجتماعی به نهاد خانواده اهمیت ویژه‌ای قائل شوند. در مورد هر یک از گزاره‌های یاد شده نصوص قرآنی، سیره پیامبر اسلام و سایر اولیای دینی و معیارهای اخلاقی و فقهی دهها قاعده را فراروی جامعه اسلامی قرار می‌دهند. حقیقت یاد شده اما باعث نشده که امروزه جوامع اسلامی وضعیت مطلوبی داشته باشند چرا که متأسفانه مسلمانان در

10 . Pathways to Peace (PTP)

بسیاری از مناطق جهان هم در فهم منابع دینی و هم در عملکرد خود خوب ظاهر نشده اند و به توصیه های دینی برای ایجاد و حفظ صلح در سطوح مختلف بدرستی عمل نکرده اند و همین امر موجب شده تا در جوامع اسلامی انواع خشونت ها هنوز مشاهده شود. از این تاسف بارتر آنکه برخی مسلمانان به جهت فهم نادرست اعتقادی و رویکرد های قشری و تکفیری مورد سو استفاده دیگران واقع شده و تبدیل به گروههای افراطی و خشونت طلب گردیده اند که نمونه جنایات آنها را جهانیان در رفتارهای غیر انسانی داعش و گروههای مشابه دیدند.

با عنایت به واقعیات یاد شده وقتی سخن از نگرش اسلامی به ضرورت حفظ صلح برای همگان از جمله کودکان میشود از یکسو باید ظرفیت های مختلف اندیشه اسلامی برای تقویت دغدغه یاد شده را مورد توجه قرار داد و از سوی دیگر باید آسیب شناسی کرد که در چه مواردی اشکال در فهم مسلمانها از دین وجود دارد یا نیازمند تحول در فهم است و چه مواردی به عملکردهای نامناسب مربوط میشود و همه اینها به کودکان صدمه میزنند.

اگر قرار باشد نگاهی به تدابیر مشترک حقوقی کشورهای اسلامی برای حمایت از کودکان داشته باشیم لازم به ذکر است که مسائل مربوط به رفاه و حمایت از کودکان در سطح کنفرانس سران کشورهای اسلامی اولین بار در ششمین اجلاس در سال ۱۹۹۱ در سنگال به ابتکار رییس جمهور این کشور و همچنین جمهوری اسلامی ایران و بنگلادش مطرح شد. پس از آن، در بیست و دومین اجلاس وزرای امور خارجه کشورهای عضو سازمان در کازابلانکای مراکش، در دسامبر سال ۱۹۹۴ طی قطعنامه ای، «اعلامیه مراقبت و حمایت از کودک در جهان اسلام» تصویب شد. در این اعلامیه به تدوین برنامه عمل و برنامه ملی، تهدیدات علیه کودکان مانند جنگ، قحطی، مخاصمات و...، لزوم تدوین سندی جامع برای حمایت از کودکان در جهان اسلام، اصلاح قانون اساسی کشورها در راستای حمایت از کودکان، و نیز حقوق خانواده، جنین، نوزاد و حقوق اجتماعی، فرهنگی و معنوی کودک اشاره شد. مطابق ماده ۹ اعلامیه، حقوق کودکان در شرایط خاص، کودکان پناهنده، زندانی، کودکان معلول، کودکانی که در جنگ یا بلایای طبیعی به سر می برند، کودکان کار و بی وطن نیز مورد حمایت ویژه قرار دارد. در نهمین اجلاس سران کشورهای اسلامی در دوحه، در سال ۲۰۰۰، نگرانی های مربوط به کودکان پناهنده و بازگشت ایشان به وطن، عدم مشارکت دادن کودکان در مخاصمات مسلحانه، حمایت از کودکان در مقابل آسیب های ناشی از وسائل ارتباط جمعی، کارهای زیان بار و حق بهره مندی کودکان از بیمه های اجتماعی مورد تأکید قرار گرفت.

همچنین در قطع نامه دهمین اجلاس سران کشورهای اسلامی، با عنوان «دانش و اخلاق برای پیشرفت امت اسلام» در مالزی در ۲۰۰۳، در بند ۵ تدوین طرح اولیه میثاق حقوق کودک در اسلام توسط گروه کارشناسان پیشنهاد شد. نهایتاً در سی و دومین اجلاس وزرای سازمان کنفرانس اسلامی وقت (سازمان همکاری اسلامی کنونی) در ژوئن ۲۰۰۵ در صنعا (یمن) میثاق حقوق کودک در اسلام به تصویب رسید. این سند دارای ۲۶ ماده و مقدمه است.

در مقدمه و مواد سند مزبور نکات مهمی در جهت تأمین زندگی صلح آمیز برای کودکان بیان شده است چنانچه در ماده ۱۷ میثاق مزبور با توجه به ابعاد روحی و فیزیکی کودک تأکید شده که باید دولتهای اسلامی از کودکان در برابر موارد ذیل حمایت کنند:

- استفاده نامشروع از مواد مخدر، مسکرات و مواد مضر یا مشارکت در تولید، ترویج یا داد و ستد آنها؛
- تمامی اشکال شکنجه، مجازات تحقیرآمیز یا غیرانسانی در تمامی وضعیت‌ها و حالت‌ها یا قاچاق، ربودن یا داد و ستد کودک؛
- تمامی اشکال سوءاستفاده؛ به ویژه سوء استفاده جنسی؛
- تهاجم فرهنگی، ایدئولوژیکی، اطلاعاتی و ارتباطاتی که با شریعت اسلامی یا منافع ملی کشورهای عضو تناقض دارد؛
- حفاظت از کودکان به واسطه عدم درگیر کردن آنها در منازعات مسلحانه یا جنگ‌ها.

کشورهای اسلامی علیرغم آنکه پس از تصویب میثاق یاد شده باز سندهای متعدد توصیه ای را در چارچوب سازمان مشترک در زمینه حمایت از کودکان تصویب کرده اند اما متأسفانه هنوز هیچ سازوکار نظارتی بین المللی ایجاد نکرده اند که ولو در حد دریافت گزارش دوره ای عملکرد ملی کشورهای اسلامی در اجرای میثاق یاد شده، ارزیابی هائی را انجام داده و توصیه هائی به کشورها برای بهبود عملکردها ارائه کند. البته تمامی کشورهای اسلامی به پیمان نامه حقوق کودک ملحق شده اند و همین امر موجب شده تا در سطح فراملی بیش از میثاق حقوق کودک در اسلام پایبند اجرای تعهدات مبتنی بر سند بین المللی یاد شده بوده و گزارشات عملکردی خود را به کمیته نظارتی پیمان نامه حقوق کودک ارائه کنند. البته در سطح ملی کشورهای اسلامی بحث های نظری و کاربردی جدی در خصوص مصادیق مختلف حقوق کودک ادامه دارد و تلاشها بر این است که در همه ابعاد شاخص های صلح منفی و صلح مثبت برای کودک شامل رفع خشونت یا ترس از خشونت و بهره مندی از تحصیل، تغذیه، سلامت، رفاه، مشارکت،

عدم تبعیض و زمینه های متعدد دیگر وضعیت مناسب تامین گردد که تا رسیدن به آن شرایط قابل قبول هنوز راه درازی در پیش است.

نظام حقوقی ایران ودغدغه های فراروی در زمینه صلح وکودکان

نظام حقوقی ایران مبتنی بر اندیشه اسلامی خود را موظف می داند که برای ارتقای حقوق کودک و تامین بسترهای لازم زندگی صلح آمیز اقدامات لازم را در ابعاد تقنینی، اجرایی و قضائی انجام دهد. در همین چارچوب جمهوری اسلامی ایران در اسفند سال ۱۳۷۲ به پیمان نامه حقوق کودک نیز ملحق شده و در چارچوب تعهدات مقرر در سند یاد شده تاکنون گزارشات ادواری خود را ارائه کرده است و به دهها پرسش کتبی و شفاهی کمیته حقوق کودک پاسخ داده است و با ایجاد مرجع ملی کنواسیون حقوق کودک که در وزارت دادگستری مستقر است و نمایندگان همه دستگاههای رسمی و نهادهای مدنی فعال حیطه کودکان در آن مشارکت دارند پیگیر ملاحظات نهائی ابلاغی کمیته حقوق کودک شده است. جمهوری اسلامی هم چنین به پروتکل اختیاری پیمان نامه حقوق کودک درخصوص فروش، فحشاء و هرزه نگاری کودکان در سال ۱۳۷۸ ملحق شده است و چند سال است که روندهای بررسی قانونی برای الحاق به پروتکل اختیاری مربوط به پیمان نامه یاد شده راجع به بکارگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه در مجاری قانونی در دست بررسی است که نتایج آن در آینده روشن خواهد شد. جمهوری اسلامی به برخی مقاله نامه های سازمان بین المللی کار که برای تامین صلح کودک اهمیت دارند نیز ملحق شده مانند مقاله نامه ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک و توصیه نامه مکمل آن که مجلس شورای اسلامی ایران آنرا در سال ۱۳۸۰ تصویب کرد. ایران هم چنین عضو پیمان نامه حقوق افراد دارای معلولیت می باشد و بر همین اساس متعهد به اجرای حق های مختلف کودکان توانخواه برابر سند مذکور است. همه موازین بین المللی که ایران بدانها ملحق شده هم اینک در اجرای ماده ۹ قانون مدنی در حکم قانون عادی داخلی هستند و از سوی همه شهروندان و محاکم قضائی و سایر نهادها قابل استناد می باشند چنانچه تا کنون در آرای متعدد قضائی برخی از قضات در مناطق مختلف کشور به مفاد آنها استناد کرده و حقوق کودک را مورد تضمین قرار داده اند.

جمهوری اسلامی از دیر باز تاکنون همکاری های خوبی با آژانس های تخصصی سازمان ملل و صندوق ها و برنامه های مرتبط با کودکان از جمله یونیسف داشته و تلاش نموده تا به سهم خود به تلاشهای مشترک جهانی برای ارتقای وضعیت کودکان کمک نماید.

ایران در چهارچوب سازمان همکاری اسلامی نیز یکی از کشورهای فعال برای تصویب سند های خاص حقوقی و برنامه های اجرایی برای حمایت از کودکان و تامین صلح و رفاه آنها بوده است و در همین چارچوب حتی برخی از نهادهای سیاستگذار داخلی ایران تلاش کرده اند تا با الهام از میثاق حقوق کودک در اسلام برخی اسناد را در قالب منشور های راهنما برای ارتقای حقوق کودک بر مبنای اندیشه اسلامی تدوین کنند .

نظام حقوقی ایران در ابعاد مختلف صلح منفی و صلح مثبت برای کودک تدابیر قانونی مختلفی را معمول داشته است. مثلا برای جلوگیری از خشونت علیه کودکان، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان سال ۱۳۸۱ کلیه افراد زیر ۱۸ سال را تحت حمایت خود قرار داده است. در ماده ۵ این قانون تاکید شده که کودک آزاری از جرائم عمومی بوده و احتیاج به شکایت شاکی خصوصی ندارد. هم چنین در قانون مجازات اسلامی برای ارتکاب انواع جرائم علیه کودکان مجازات های متنوع مقرر شده است. طی سالهای اخیر برای حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بد سرپرست نیز قانونگذاری جدید صورت گرفته است که تحولی قابل توجه در مقررات قبلی ایران در این موضوع به شمار میرود. در مقررات ایران اعم از قانون اساسی یا قوانین عادی در ابعاد مختلف تامین صلح مثبت برای کودک از قبیل حق آموزش، تغذیه، سلامت، مبارزه با فقر، حمایت در فرایند دادرسی کیفری یا اجرای احکام کیفری و.. نیز احکام خاصی مقرر شده که نهادها و سازمانها موظفند به دقت آنها را رعایت کنند. در مجاری قانونگذاری هم اینک لویای جدیدی نیز در دست بررسی است تا قلمرو حمایت های از کودکان توسعه پیدا کند و برخی اشکالات موجود مرتفع شود که نتایج آن در آینده نزدیک روشن خواهد شد.

با همه تلاشهای انجام شده در نظام حقوقی ایران برای تامین حقوق همه جانبه کودک و ایجاد بستر مناسب صلح آمیز برای رشد و شکوفائی همه کودکان، واقعیت غیر قابل انکار آن است که هنوز چالشهای جدی در ابعاد مختلف صلح منفی و مثبت فراروی کودکان است. به عبارت دیگر، هنوز کودکان در معرض انواع مخاطرات و خشونت ها کم نیستند، کودکان محروم از تحصیل جمعیت قابل توجهی را تشکیل می دهند، تعداد کودکان محروم متعلق به طبقات زیر خط فقر زیاد هستند، کودکان برخی گروههای در معرض آسیب پذیری بیشتر مانند توانخواهان هم چنان مطالبات متعددی برای تامین آرامش و وضعیت مناسب رشد دارند که پاسخ مثبت داده نشده است، دختر بچه ها در برخی مناطق کشور در اثر سنت های آسیب رسان محلی در معرض نقض حق قرار دارند، فهم از برخی متون حقوقی

وفقهی محل نقد و نظرهای متعدد است که ثمره این وضعیت تاخیر در اتخاذ تدابیر شایسته برای رسیدن به وضعیت مطلوب میباشد .

در جامعه کنونی ایران برای ارتقای همه جانبه حقوق کودک و تامین صلح پایدار نه تنها نهادهای رسمی دغدغه های مختلف انسانی را در حدود منابع و مقدرات کشور در دست اقدام دارند بلکه طیف گسترده ای از نهادهای مدنی و موسسات خیریه و تشکل های هنری و فرهنگی نیز به موضوع کودک اولویت داده و تلاشهای مختلفی را در سراسر ایران معمول می دارند که همین امر دستیابی به آینده بهتر برای کودکان ایرانی و کودکان اتباع خارجی مقیم ایران را نوید می دهد.

در ایران امروز روند رشد فکری در جهت توسعه صلح برای کودک و متقابلا مشارکت دهی کودکان امروز و آینده سازان فردا برای تامین جامعه صلح آمیزتر کاملا محسوس است و در چنین بستری، امیدها برای رفع مشکلات موجود و نارسائی ها البته بیشتر میشود. آیا می توانیم نسبت به ادای مسئولیت خود برای همراهی با این امید ملی و ساختن آینده بهتر بی تفاوت باشیم؟!